

تحلیل ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، با تأکید بر مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور

هادی کریمی عقدا^۱

محمد مهدی دهقانی اشکذری^۲

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف تحلیل و بررسی جایگاه توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور در ساحت‌های تربیتی مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت کشور؛ با استفاده از فهرست واری ملاحظه‌ساخته انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتوا و رویکرد حاکم بر آن بنیادی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که با وجود حاکم بودن مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور در ساحت‌های تربیتی سند مذکور؛ توجه بیش‌تر به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز در ساحت‌های تربیت زیستی و بدنی و زیباشناختی و هنری ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به اهمیت مباحث مربوط به خودشناسی در فرایند تربیت و مباحث مربوط به حفظ محیط زیست، انتظار آن است که به مولفه‌های مربوط به ارتباط فرد با خود و ارتباط فرد با خلقت، در قسمت فلسفه تربیت رسمی عمومی، به سند مذکور توجه بیش‌تری شود. **واژگان کلیدی:** مبانی نظری سند تحول بنیادین، ساحت‌های تربیتی، تربیت زمینه‌ساز ظهور، مهدویت.

مقدمه

با توجه به این که در اکثر جوامع و نظام‌های سیاسی، گروه وسیعی از مردم مخاطب برنامه‌های آموزشی و تربیتی نظام تربیت رسمی و عمومی آن جوامع هستند؛ نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشورها می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی، در انتقال ارزش‌ها و هدایت فکری نسل نو، نقش موثری داشته باشد (مرزوقی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۸). از دیدگاه بسیاری از جامعه‌شناسان، نظام آموزش و پرورش، یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که توانایی تربیت انسان‌های ایده‌آل را در تمام ابعاد اعتقادی، اخلاقی و جسمانی، بر اساس وضع مطلوب مورد نظر برنامه‌ریزان فرهنگی کشور داراست (شارع پور، ۱۳۹۸: ص ۲۷). وجود چنین کارکردهایی در نظام‌های آموزشی کشورها سبب شد متخصصان کشورهای مختلف با استفاده از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تربیتی مناسب از ظرفیت نظام تربیت رسمی عمومی در جهت شکل دهی به فرهنگ عمومی و سبک زندگی افراد جامعه استفاده کنند. البته یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده برای تحقق این مهم، تدوین و تصویب مبانی فلسفی متناسب با مبانی حکمرانی و سیاسی حاکم بر آن جوامع می‌باشد. و این، امری است که با توجه به نقد مقام معظم رهبری و بسیاری از متخصصان تربیت اسلامی بر نظام آموزش و پرورش کشور و لزوم توجه به تحول و طراحی مجدد در مبانی فلسفی آن (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ص ۸)؛ زمینه تلاش گسترده‌ای را فراهم آورد، و در نهایت، سندی با عنوان «مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» تهیه و تصویب شد. سند مذکور سه قسمت تربیت رسمی در جمهوری اسلامی ایران، تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران و رهنامه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران را شامل می‌شود. در قسمت مربوط به هدف‌گذاری سند مذکور که تحت عنوان چرایی تربیت در بخش‌های فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته، سعی شده است با نگاه به ساحت‌های تربیتی شش‌گانه، الگویی مناسب برای تدوین هدف برای نظام آموزشی کشور در نظر گرفته شود. بر همین اساس و با توجه به نقش تربیت در شکل دهی به فرهنگ عامه و همچنین جایگاه نظام آموزشی کشور در انتقال مباحث اخلاقی و اعتقادی به نسل نوجوان و جوان کشور که معمولاً در سن بلوغ و تکلیف شرعی مخاطبان نظام



آموزش و پرورش کشور هستند و می‌بایست در این دوران، با مباحث مربوط به معارف دین آشنا شوند و با ملاحظه جایگاه موضوع مهدویت و شناخت امام زمان به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به مباحث معارف اسلامی که جایگاه و کارکردهای اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیاری در شکل‌گیری حیات طیبه بر اساس نگاه تمدن‌گرایانه به اسلام و حکومت دینی دارد؛ در پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل میزان توجه به مولفه‌های مهدویت و تربیت زمینه‌ساز ظهور در قسمت‌های مربوط به ساحت‌های تربیتی که مستقیماً با اهداف مطرح در سند تحول ارتباط دارند؛ می‌پردازیم.

مبانی نظری

۱. انتظار

واژه «انتظار» از ریشه نظر است که در باب افتعال به کار رفته و به معنای نگاه با تامل و دقت می‌باشد. این واژه در کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» نیز به معنای نگاه با تامل و دقت در چیزی آمده است^۱ (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۱۲، ص ۱۸۴). انتظار به مفهوم عالی آن، امری است فطری که با نهاد انسان سرشته شده و لازمه حیات انسانی است. در آموزه‌های اسلامی، همواره مفهوم انتظار مطرح بوده است. به عنوان مثال، ابوبصیر از امام صادق ع پرسید: فرج چه زمانی خواهد بود؟ آن حضرت فرمود: «تو هم از کسانی هستی که دنیا را طلب می‌کنند؟! آن کس که قیام امام را بشناسد، برای او به جهت انتظارش، فرج شده است»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۷۱) و امام سجاد ع نیز انتظار فرج را بزرگ‌ترین گشایش‌ها می‌داند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۲۲).

در فرهنگ شیعی، واژه انتظار، همواره با پسوند «قیام»، «فرج» و «ظهور» همراه است و به ایمان استوار بر امامت و ولایت ولی عصر ع و چشم به راه بودن برای ظهور آخرین حجت

۱. «النظر تامل الشی بالعين و کذا لک النظران و هو تامل الشی و معاينته».

۲. «یا ابابصیر و انت ممن یرید الدنیا؟ من عرف هذا الامر، فقد فرج عنه لانتظاره».

۳. «انتظار الفرج من اعظم الفرج».

معصوم الاهی و آمادگی برای برپایی حکومت صالحان در سراسر گیتی دلالت دارد. انتظار یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی به شمار می‌رود و از چنان اهمیتی برخوردار است که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ردیف وقوع قیامت و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۶۳).

۲. انتظار منفعل

«انتظار منفعل» به دیدگاه کسانی مربوط است که با برداشت سطحی و بدون توجه به قراین صدور، نسبت به مفاد برخی روایات (مبتنی بر نفی هر گونه قیام و حرکتی در عصر انتظار و بطلان و یا نافرجام بودن آن) توجه داشته‌اند؛ مانند پاسخ امام صادق علیه السلام به ابوبصیر که صاحب هر پرچمی را که قبل از قیام حضرت قائم بر افراشته شود، طاغوت دانسته و اطاعت آن فرد را همان خارج شدن از اطاعت خدا می‌داند. غافل از این که فرمایش امام، بر جلوگیری از سوء استفاده برخی عناصر شیعی و نیز گروه عباسیان، از نام «مهدی» مبتنی است تا اینان قیام خود علیه بنی امیه را قیام مهدی موعود قلمداد نکنند و به اغراض سیاسی خود دست نیابند. این گروه، پدیده ظهور را تنها معلول اراده و مشیت الاهی می‌دانند و برای عوامل انسانی و طبیعی، نقش چندانی قائل نیستند. به همین دلیل، در عصر غیبت نیز شیعیان را به زمینه سازی و تهیه مقدمات ظهور مکلف نمی‌دانند.

در این نگرش، هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح، حرکت روشنی به حساب می‌آید و تا زمانی که در صفحه اجتماع مؤلفه روشنی وجود دارد، دست غیب ظاهر نمی‌شود؛ بلکه برعکس، هر گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق کشی و هر پلیدی رواست؛ به حکم این که مقدمه اصلاح کلی بوده و فرج را نزدیک می‌کند؛ زیرا «الغایات تبرر المبادی»؛ هدف‌ها وسیله نامشروع را مشروع می‌کند. پس، ترویج و اشاعه فساد، بهترین کمک به تسریع ظهور و بهترین شکل انتظار است. البته چنین نگرشی نه تنها با محکمات قطعی احکام سیاسی اسلام، تضاد آشکار دارد، بلکه در آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام، بر چنین برداشت نادرستی از انتظار، خط بطلان کشیده شده است؛ زیرا نه تنها در روایات انتظار از سنخ «عمل» عنوان شده است، بلکه روایات، آن را با عباراتی مانند بهترین عمل: «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج»؛ بزرگ‌ترین عمل: «إنتظار الفرج من أعظم

الفرج» و محبوب‌ترین جهاد: «أفضل جهاد أمتي انتظار الفرج»؛ مورد توجه قرار داده‌اند. امام خمینی به‌عنوان یکی از مصلحان بزرگ شیعه و احیاگر اندیشه انتظار؛ در یک طبقه بندی جامع، طرفداران این نوع نگرش منفی را که در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا حدی شیوع یافته بود، به چند دسته انزواگرا، عافیت طلب و تکلیف گریز، تقسیم می‌کنند. و در نقد این گروه می‌گویند:

ای بی خردان! اسلامی که می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (توبه: ۳۶)؛ آیا می‌گوید بنشینید تا طعمه دیگران شوید؟ اسلامی که می‌فرماید: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ» (بقره: ۱۹۱)؛ آیا می‌گوید دست روی دست بگذارید تا دیگران بر شما چیره شوند؟ اسلامی که می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (بقره: ۱۹۰)؛ می‌گوید خود را تسلیم دیگران کنید؟ اسلامی که می‌فرماید: «الْحَيِّرْ كُلَّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَلَا يُقِيمُ النَّاسُ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْحَيَّةِ وَ النَّارِ» و «لِلْحَيَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ بَابُ الْمُجَاهِدِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ص ۲)؛ و صدها آیات و احادیث دیگر برای جنگ با اجانب و برای استقلال کشور؛ آیا مردم را از کوشش و جنگ باز می‌دارد؟! (امام خمینی، بی‌تا: ص ۲۳۱).

۳. انتظار زمینه‌ساز ظهور

«زمینه‌سازی» در لغت، به معنای به وجود آوردن مقدمات انجام دادن امری است (انوری، ۱۳۸۱: ج ۵، ص ۳۸۷۷). بر این اساس، زمینه سازی ظهور را می‌توان به معنای مقدمه چینی و آمادگی برای ظهور دانست (آیتی، ۱۳۹۰: ص ۲۳). محقق شدن جامعه مهدوی، زمینه و بستری می‌طلبد که باید متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگ و ارزش‌های دینی و توحیدی آن جامعه آماده گردد. در این نوع نگرش به انتظار که خوشبختانه نگرش غالب در میان پژوهشگران معاصر می‌باشد؛ نه تنها اراده، تلاش و خواست جمعی، نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای در تسریع ظهور دارند، بلکه اساساً انتظار بدون توجه به سازکارها و اقدامات زمینه ساز، امری نامعقول و بی‌معناست. در این نگرش که ارزیابی دقیق اوضاع گذشته و تلاش برای تغییر وضعیت موجود، جزو الزامات تفکر انتظار محسوب می‌شود، تکالیف فردی و اجتماعی شخص منتظر نیز تا حدی روشن می‌گردد.



این نوع انتظار با فرمایش امام صادق علیه السلام متناسب است که ایشان بر انتظار و تقوای منتظران تاکید دارند و حتی اجر و پاداش کسی که در دوران انتظار بر مبنای تقوای الهی عمل کرده است، همانند کسی عنوان می‌کنند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کرده است^۱ (نعمانی، ۱۳۷۶: ص ۲۰۰). این نوع انتظار تعهد آور، تحرک بخش و نیرو آفرین است و شناخت، تعهد و تلاش برای فراهم کردن مقدمات ظهور از راه ایجاد آمادگی‌های فکری، روحی و جسمی برای کسب ورع و پاکی، تلاش به منظور گسترش فضیلت‌های اخلاقی و زدودن مظاهر ظلم و پلیدی در جامعه جوهر اصلی آن است. هدیه ظهور چیزی نیست که خداوند آن را به رغم نبود امکانات و بستریهای لازم، بر جامعه بشری تحمیل کند، بلکه شرط این مهم، آن است که مردم با شعور و آگاهی و با میل و انتخاب خود، اهمیت و ضرورت ظهور حضرت حجت را درک کنند و با مجاهدت و برنامه ریزی، به انگیزه تحقق این رویکرد تلاش کنند تا خداوند آنان را از چنین نعمتی بهره‌مند کند و وعده الهی بر ظهور منجی موعود، محقق گردد.

از دیدگاه شیعه، ظهور منجی، از جمله تغییرات اجتماعی است که سرچشمه‌ای الهی دارد و انقلاب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از جنبه اجرا، همانند همه انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد و باید فضایی مناسب برای آن موجود باشد. بنابراین، مهم‌ترین رکن زمینه سازی ظهور و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای حضور حجت خداوند، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان‌ها و پرورش کمالات انسانی است که در پرتو گزینش ایده آل برتر، از راه تربیت امکان پذیر است. نیروسازی و تربیت منتظران کارآمد و مسئول، محوری‌ترین عامل در زمینه سازی ظهور به شمار می‌رود. آمادگی جامعه برای ظهور حکومت مهدوی، به جلب نیرو و تربیت آن‌ها نیازمند است. کسانی می‌توانند در نهضت مهدوی حضور و مشارکتی صحیح داشته باشند که ضمن بهره‌مندی از تربیتی متناسب، بر اثر بلوغ و رشد فکری و روحی، توان شرکت در جامعه سازی داشته باشند.

۱. «من سر آن یكون من أصحاب القائم فلينتظر وليعمل بالورع ومحاسن الأخلاق وهو منتظر فإن مات وقام القائم بعده كان له من الأجر مثل أجر من أدركه فجداوا».

۴. تربیت زمینه‌ساز ظهور

اصطلاح «زمینه‌ساز»، برگرفته از مضمون احادیثی است که در آن‌ها از گروه‌هایی یاد شده که پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسترها و زمینه‌های لازم را برای قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می‌آورند. این اصطلاح، معادل فارسی کلمه «تمهید» و «توطیه» و «اعداد» در عربی است که به معنای مقدمه‌چینی، فراهم کردن، آماده کردن و بسترسازی است. کلمات «يُؤَطُّون» (قزوینی، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۱۳۶۸) و «لَيُعِدَّنَّ» (نعمانی، ۱۳۷۶: ص ۳۲۰)؛ در احادیث، به همین معناست. با توجه به این معنا، تربیت زمینه‌ساز ظهور، یعنی فراهم کردن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور؛ به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز کند و حکومت جهانی‌اش را تحقق بخشد (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸: ص ۲۰).

در این نظام تربیتی، بُعد ارتباط با پروردگار که مقتضای فطرت آدمی است؛ نقشی محوری و مرکزی دارد. اساس این نوع روابط، شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و پذیرش او به عنوان رب خویش و عملاً تن دادن به ربوبیت او و پرهیز از ربوبیت غیر است (باقری، ۱۳۹۹: ج ۱، ص ۶۱). بر همین اساس است که معرفت و ایمان به خدا و صفات او و نیز پذیرش نقش او در خلق و امر و اداره نظام هستی؛ از جمله خود و انسان‌ها و پرستش خاضعانه و خاشعانه وی، فرد را به کمالش هدایت می‌کند.

یکی دیگر از ابعادی که می‌تواند در تربیت زمینه‌ساز مورد توجه قرار گیرد، بر مبنای گرایش فطری به سوی کمال مطلق و انزجار و بیزارگی از نقص و کاستی است که زمینه ارتباط انسان را با خویشتن فراهم می‌کند (مساعد و منطقی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۸). با توجه به قدرت حب ذات در انسان و توانایی او در کسب بینش و انتخاب مسیر درست کمال و سعادت انسان می‌تواند در پرتو تربیت سالم با فراهم کردن عوامل سعادت و برطرف کردن موانع و آفات، به سیر و سلوک خویش ادامه دهد تا خود را به عالی‌ترین مراحل آن برساند و از خود طبیعی به سوی خود انسانی و سپس به مرحله خود اعلا - که مظهری از ذات حق است - تغییر جهت دهد و خلیفه‌الله و مظهر اسماء و صفات الهی گردد (اعرافی و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۷۲).

دسته دیگری از جنبه‌های فطری آدمی که به صورت گرایش و توانمندی در هر فرد وجود



دارند، گرایش و توانمندی ارتباط با دیگران است و از این‌رو است که انسان «مدنی بالطبع» نامیده شده است. به فعلیت رساندن این توانمندی و عملیاتی کردن این گرایش در همهٔ مراحل زندگی و در چگونگی معاشرت آدمیان با یکدیگر، می‌تواند در تحولات تربیتی و ظهور توانمندی‌های بالقوه افراد، به صورت مطلوب و بالنده؛ و حتی بر درک بهتر خود و کشف ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و ناتوانی‌های خود و دستیابی به تصویری درست و واقع‌بینانه از خود موثر باشد (شریفی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۱).

در توضیح چهارمین بُعد نظام تربیت زمینه‌ساز، چنین می‌توان توضیح داد که آدمی در زندگی با دنیای اطراف خود در ارتباط است. زمین و آسمان، کوه و دشت، جنگل و بیابان، دریا و خشکی، حیوانات و تمام جلوه‌ها و مظاهر ریز و درشت طبیعت، نمودی از قدرت و عظمت خالق و آفریننده هستی هستند و بر دیدگاه انسان نسبت به زندگی اثری ژرف دارند. بنابراین، رابطهٔ انسان با هر موجود، بر اساس درک و آگاهی او نسبت به آن موجود است و اگر نسبت به موجودی درک و فهمی نداشته باشد، هیچ‌گاه به آن مایل نخواهد شد. علامه جعفری رابطه انسان با جهان هستی را در سه اصل بیان کرده است: شناخت این جهان تا عالی‌ترین حد ممکن، جدی گرفتن قوانین تکوینی جهان و احساس ملکوتی نسبت به این جهان که یکی از نتایج مهم جدی گرفتن آن است (جعفری، ۱۳۷۶: ص ۳۵۰-۳۵۴).

با توجه به جایگاه و کارکرد نظام تربیتی در کادر سازی و تربیت افراد متعهد و معتقد به معارف اسلامی و مباحث مطرح در ابعاد انتظار زمینه‌ساز ظهور؛ به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین ابزارهای کمک‌کننده به تربیت افرادی که بتوانند در مولفه‌های ارتباطی با خداوند، ارتباط با خودشان، ارتباط با خلق و ارتباط با خلقت همواره به ابعاد تربیت زمینه‌ساز ظهور توجه داشته باشند و سبک زندگی خود را بر آن استوار کنند؛ استفاده از ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت کشور است که مخاطبان اصلی آن، پسران و دختران، نوجوان و جوان جامعه هستند. البته با توجه به جایگاه اسناد بالا دستی و به خصوص سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور؛ در ادامه ضمن تبیین مباحث مربوط به ساحت‌های تربیت در سند مذکور و مشخص کردن ظرفیت‌های موجود در آن، در ادامه با استفاده از روش تحلیل محتوا به تحلیل رویکرد سند مذکور به مباحث مربوط به تربیت زمینه‌ساز ظهور می‌پردازیم.

۵. ساخت‌های تربیتی سند تحول بنیادین

تدوین سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور که در سال ۱۳۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب اسلامی رسید؛ یکی از اسناد مهم در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی برای نظام آموزش و پرورش کشور است. در بخشی‌هایی از سند مذکور، پس از آن که حیات طیبه را وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار الهی تعریف می‌کند؛ دستیابی به مراتبی از حیات طیبه در تمام ابعاد را به عنوان هدف اصلی فرایند تربیت در جمهوری اسلامی ایران، مطرح می‌کند (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰: ص ۱۳۹). در ادامه سعی شده است در قسمت‌هایی با عنوان چرایی تربیت در جمهوری اسلامی ایران (همان، ص ۱۵۴-۱۵۷)؛ و چرایی تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران (همان، ص ۲۹۷-۳۱۲)؛ به اهداف تربیت در جمهوری اسلامی ایران و اهداف تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود. مولفان سند تحول در این قسمت‌ها، بخش‌هایی را با توجه به شئون و جنبه‌های متعدد حیات طیبه در قالب ساخت‌های تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساخت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساخت تربیت زیستی و بدنی، ساخت تربیت زیبا شناختی و هنری، ساخت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و ساخت تربیت علمی و فناوری مورد توجه قرار داده و بر اهمیت و کارکرد آن در هدف‌گذاری، برنامه ریزی و ارزشیابی فرایندهای تربیتی تأکید کرده‌اند (همان)؛ امری که سبب شد پژوهش حاضر تحلیل محتوای این بخش از سند را مورد توجه قرار دهد. البته با توجه به این که ساخت‌های مذکور در دو قسمت است: یکی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران (که به تربیت در معنای عام آن می‌پردازد و به تمام جنبه‌های زندگی عموم افراد جامعه توجه دارد) و دیگری فلسفه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی که بیش‌تر به فرایند تربیت در نظام آموزش و پرورش تأکید دارد که مخاطبان آن معلمان و دانش‌آموزان و والدین آن‌ها هستند؛ و با ملاحظه مؤلفه‌ها و اقتضائات مربوط به این دو نوع تربیت، در پژوهش حاضر سعی شد تحلیل محتوای ساخت‌های تربیتی مطرح در دو قسمت مورد نظر به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد.



۶. سوابق پژوهش

هر چند پژوهش‌های متعددی با موضوع تربیت و مهدویت با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است؛ براساس تحقیقات انجام شده، در اکثر مطالعات صورت گرفته، به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی با موضوعات و پایه‌های مختلف تحصیلی پرداخته شده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

پژوهش جعفری هرنندی و نجفی (۱۳۹۲)، که با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های مهدویت در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه ایران» انجام پذیرفته؛ به بررسی محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت در کتاب‌های دین و زندگی، ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی و تاریخ انقلاب اسلامی دوره متوسطه پرداخته است.

جعفری هرنندی (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای دیگر که با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مباحث مهدویت» انجام داده؛ به این یافته نایل آمده است که کتاب‌های فارسی (با ۲۶۳ مورد) نسبت به کتاب‌های هدیه‌های آسمانی (با ۲۵۲ مورد) و تعلیمات اجتماعی (با ۹۲ مورد) توجه بیشتری را به مفاهیم مرتبط با مهدویت و محورها و مؤلفه‌های مفهومی آن داشته‌اند.

صمیمی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «مهدویت و تربیت: عرصه‌های تأثیرگذاری اعتماد به مهدویت در اصلاح فرد از دیدگاه قرآن و حدیث»، مهدویت را صرفاً مقوله‌ای اعتقادی نمی‌داند، بلکه آن را مفهومی آموزشی، تربیتی و اخلاقی می‌انگارد که آثار و نتایج ویژه خود را در قالب‌های ذیل نشان می‌دهد:

ابعاد فکری (رهایی از جهل و نادانی)؛ عاطفی (تسکین و آرامش روانی، امید به آینده، تحرک و پویایی، صبر و مقاومت در برابر مشکلات و آرمان‌خواهی)؛ اخلاقی (پارسیایی، نظارت امام بر اعمال انسان و آمادگی مداوم فرد) و عملی (دین‌داری، روحیه ظلم‌ستیزی، امر به معروف و نهی از منکر).

یافته‌های مرزوقی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس»، گویای آن است که توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ای در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا برای ترویج تفکر مهدویت، در منابع درسی دوره ابتدایی وجود ندارد.



روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و روش مورد استفاده، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی می‌باشد. تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی، نوعی تحلیل محتوا است که ضمن شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین مورد نظر در متن، بر کشف معانی اصلی و یا مضامین آن تاکید دارد (کریمی عقدا و قادری مقدم، ۱۳۹۶: ص ۷۲). مقوله بندی و تعیین شاخص در این پژوهش، با استفاده از روش جعبه‌ای انجام گرفته است. همچنین واحد ثبت در پژوهش مضمون و روش شمارش نیز فراوانی بوده است.

ابزار اندازه‌گیری

ابتدا فهرست واری‌های تحلیل محتوای محقق ساخته، با توجه به آنچه در آموزه‌های اسلامی در خصوص شرایط و بستر ظهور آمده است؛ مطابق الگوی شهید آیت الله سید محمد باقر صدر در کتاب الفتاوی الواضحه و آیت الله مصباح یزدی در مباحث اخلاقی بر اساس ارتباط فرد با خداوند، با خودش، با خلق و با خلقت (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۱)؛ مطابق جدول شماره یک آماده شده است. چهارچوب مفهومی تحلیل محتوا با توجه به ساحت‌های تربیتی مطرح در سند تحول بنیادی نظام تعلیم و تربیت کشور، در قالب شش بعد و چهار مولفه (جدول شماره ۲) طراحی گردید.

جدول ۱. فهرست واری‌های محقق ساخته با توجه به الگوی تعاملی چهارگانه

ابعاد / سطح	شناختی	عاطفی	عملکردی
ارتباط با خدا (الاهی)	معرفت عمیق به یکتایی، خالقیت، ربوبیت، الوهیت و عدالت خداوند	رضا و تسلیم، پذیرش احکام الهی، خشوع، ایمان وثابت قدم بودن	تقوا، اخلاص، دعا، عبادت، پرداخت خمس، پرداخت زکات، اطاعت و شکر نعمت
ارتباط با خود (فردی)	خودشناسی و شناخت میزان وابستگی خود به خداوند	احساس حضور در محضر امام، خود ارزشمندی، سعادت خواهی و آرامش	محاسبه نفس، خویشترداری، رعایت نظم و خودسازی
ارتباط با خلق	شناخت امام، بصیرت، شناخت	همدلی، صبر بر هجران،	دعا، عدالت، مهرورزی به



ابعاد / سطح	شناختی	عاطفی	عملکردی
(اجتماعی)	وظایف منتظر نسبت به امام، شناخت منتظران واقعی، شناخت زمینه‌های ظهور و ویژگی‌های حکومت امام	دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان امام، ولایت پذیری، امید به آینده، صلح و رحمت و وحدت و همبستگی، اشتیاق نسبت به دیدار امام و حمایت و احترام به امام	امام، اطاعت از امام، مهرورزی، امر به معروف و نهی از منکر، مجاهدت تا سر حد شهادت، انتظار فرج، موضع‌گیری نسبت به بدعت‌ها، بخشش مال، از خود گذشتگی و معرفی امام به دیگران
ارتباط با خلقت (زیست محیطی)	شناخت هستی، شناخت هدفمندی هستی، مخلوق بودن برای هستی و نعمت بودن طبیعت برای انسان	مسئولیت پذیری نسبت به مخلوقات خداوند و عدم دل بستگی و عدم وابستگی به دنیا	بهره‌مندی مناسب از طبیعت و کمک به آبادانی شهرها و روستاها

برای حصول اطمینان از وجود روایی پژوهش، از دیدگاه متخصصان استفاده شده است؛ به این ترتیب که فرم اولیه تحلیل محتوا به همراه احادیث و روایات مورد نظر در اختیار تعدادی از صاحب نظران حوزه علوم قرآن و حدیث قرار گرفت و بعد از بررسی دیدگاه‌های ایشان و اصلاحات مورد نظر، فهرست و ارسای تحلیل محتوا در اختیار گروهی دیگر از متخصصان تربیت اسلامی قرار گرفت که در نهایت پس از اعمال دیدگاه آن‌ها، نمایه‌ای از تحلیل محتوا در قالب چارچوب مفهومی مطابق جدول شماره یک پژوهش تهیه شد.

برای تعیین پایایی ابزار تحقیق، از روش آزمون - آزمون مجدد استفاده شد. بدین صورت که ابتدا قسمت‌های مربوط به ساحت‌های تربیتی در مبانی نظری سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، با دقت مطالعه و مضامین مورد نظر مشخص و شمارش شد و سپس بعد از گذشت دو هفته، بار دوم همان قسمت مورد مطالعه و کدگذاری قرار گرفت که در نهایت، ضریب همبستگی ۹۰٪ بین فراوانی‌های شمارش شده حاصل شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج سوال اول پژوهش: در محتوای مربوط به ساحت‌های تربیتی فلسفه تربیت در مبانی



نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، به چه میزان به ابعاد و مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه شده است؟

در پاسخ به سوال پژوهش تحلیل محتوای مربوط به ساحت‌های تربیتی بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. چهارچوب مفهومی تحلیل محتوای مربوط به فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران

مجموع		مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور				تعداد جملات	ساحت‌های تربیتی
		ارتباط با خلقت	ارتباط با خلق	ارتباط با خود	ارتباط با خدا		
درصد	فراوانی						
۹۲	۵۰	۲	۱۱	۱۴	۲۳	۵۴	تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی
۸۴	۵۳	۳	۲۲	۱۰	۱۸	۶۳	تربیت اجتماعی و سیاسی
۸۴	۲۱	۳	۴	۸	۶	۲۵	تربیت زیستی و بدنی
۷۷	۱۷	۳	۴	۵	۵	۲۲	تربیت زیبا شناسی و هنری
۸۶	۳۰	۲	۱۰	۸	۱۰	۳۵	تربیت اقتصادی و حرفه‌ای
۸۶	۲۶	۳	۸	۶	۹	۳۰	تربیت علمی و فناوری
۸۵	۱۹۶	۱۶	۵۹	۵۱	۷۱	۲۲۹	مجموع

در ابتدا لازم است به این مهم اشاره شود که انتظار بود در جامعه دینی، تمامی اهداف تربیتی با جهت‌گیری الهی تدوین شوند و لذا تمام اهداف مطرح در ساحت‌های تربیتی اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای، زیستی و بدنی، زیبا شناسی و هنری و ساحت تربیت علمی و فناوری بر مبنای اهداف ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی باشند؛ اما متأسفانه در مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت کشور، ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در کنار سایر ساحت‌های تربیتی قرار گرفته و هدف‌گذاری سایر ساحت‌های تربیتی را تحت تاثیر قرار



داده است.

آنچه در تحلیل محتوای ساحت‌های تربیتی مطرح در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران به دست آمد (جدول شماره ۲). نشان می‌دهد که اساساً میزان توجه به مباحث مطرح در ساحت‌های تربیتی در این بخش از سند، به طرز معنا داری از مباحث مطرح در بخش فلسفه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران کم‌تر می‌باشد؛ به طوری که در بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، ۲۲۹ جمله داشتیم که ۱۹۶ عدد از آن با مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور مرتبط بود؛ اما در بخش مربوط به فلسفه تربیت رسمی عمومی، با فراوانی ۷۰۷ جمله مواجه بودیم که ۵۹۰ مورد از آن در چارچوب مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور قرار داشت. در حالی که مخاطبان فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران که عموم افراد جامعه را با هر سن و تمایلات فرهنگی و اعتقادی در بر می‌گیرد؛ در مقایسه با مخاطبان فلسفه تربیت رسمی عمومی که به نظام آموزش و پرورش کشور مربوط است؛ بسیار گسترده‌تر و از لحاظ فرهنگی متنوع‌تر می‌باشد.

در خصوص وضعیت میزان توجه ساحت‌های مربوط به فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز، شاهد ارتباط ۸۵ درصدی هستیم که نشان دهنده جهت‌گیری مبتنی بر مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز در سند مذکور می‌باشد. همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشخص است، بیش‌ترین میزان توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور مربوط به ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است که به علت ماهیت موضوعات مطرح در ساحت مورد نظر، این میزان از فراوانی مورد انتظار بود. کم‌ترین میزان توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور مربوط به ساحت زیبا شناختی و هنری می‌باشد که البته از هم‌پوشانی اهداف ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی و تفکیک و قرار دادن آن در کنار ساحت‌های تربیتی دیگر می‌تواند به عنوان یکی از دلایل درصد پایین میزان توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور در ساحت زیبا شناختی و هنری نام برد. در خصوص میزان توجه به مولفه‌های ارتباط چهارگانه فرد با خداوند، با خودش، با خلق و خلقت؛ شاهد نزدیک بودن میان فراوانی به دست آمده در مولفه ارتباطی فرد با خداوند، فرد با خودش و فرد با خلق هستیم و تنها در مولفه ارتباط فرد با خلقت، به طرز معناداری شاهد فراوانی کم‌تری هستیم که با توجه به مسائل مربوط به



تغییر اقلیم در کشور و لزوم توجه بیش تر به مباحث مربوط به حفظ محیط زیست، توجه بیش تر این مولفه ضروری به نظر می‌رسد.

۲. نتایج سوال دوم پژوهش: در محتوای مربوط به ساحت‌های تربیتی فلسفه تربیت رسمی عمومی مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت کشور، به چه میزان به ابعاد و مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه شده است؟

یافته‌های مربوط به تحلیل محتوای بخش ساحت‌های تربیتی فلسفه تربیت رسمی عمومی مبانی نظری سند تحول بنیادین، در قالب جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳. چهارچوب مفهومی تحلیل محتوای مربوط به فلسفه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران

مجموع		مولفه‌های تربیت زمینه ساز ظهور				تعداد جملات	ساحت‌های تربیتی
		ارتباط با خلاقیت	ارتباط با با خلق	ارتباط با خود	ارتباط با خدا		
۹۰	۲۰۹	۱۱	۳۶	۴۷	۱۱۵	۲۳۲	تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی
۸۷	۱۱۲	۷	۴۴	۲۶	۳۵	۱۲۸	تربیت اجتماعی و سیاسی
۶۰	۴۴	۳	۴	۱۶	۲۱	۷۳	تربیت زیستی و بدنی
۷۲	۵۱	۸	۱۲	۱۶	۱۵	۷۱	تربیت زیبا شناختی و هنری
۸۶	۹۱	۵	۳۷	۲۸	۲۱	۱۰۵	تربیت اقتصادی و حرفه‌ای
۸۵	۸۳	۶	۲۸	۲۶	۲۳	۹۸	تربیت علمی و فناوری
۸۱	۵۹۰	۴۰	۱۶۱	۱۵۹	۲۳۰	۷۰۷	مجموع



یافته‌های تحلیل محتوای ساحت‌های تربیتی مطرح در قسمت فلسفه تربیت رسمی عمومی نشان می‌دهند که در این بخش شاهد فراوانی ۷۰۷ جمله مربوط به مباحث مربوط به ساحت‌های تربیتی هستیم که در مقایسه با ۲۲۹ جمله موجود در بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران؛ نشان دهنده توجه بیش‌تر و جامع‌تر این قسمت از سند به مباحث مربوط به ساحت‌های تربیتی می‌باشد. از لحاظ درصد فراوانی مطابقت مباحث مطرح شده در بخش ساحت‌های تربیتی با مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور نیز شاهد فراوانی ۸۵٪ هستیم که نشان دهنده حاکم بودن رویکرد الهی و مبتنی بر تربیت زمینه‌ساز ظهور، در این بخش از سند می‌باشد. در میان ساحت‌های تربیتی مطرح در سند، کم‌ترین میزان توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور، به ساحت تربیت زیستی و بدنی با فراوانی ۶۰٪ و ساحت تربیت زیباشناختی و هنری با فراوانی ۷۲٪ مربوط می‌باشد، با توجه به ویژگی‌های مخاطبان این بخش از سند که نوجوانان و جوانان هستند و با توجه به گرایش فراوانی که به فعالیت‌های بدنی و درس تربیت بدنی دارند و علاقه وافر آنان به شرکت در مسابقات فرهنگی هنری؛ انتظار آن است که این ظرفیت در اسناد بالادستی مورد توجه قرار گیرد و از ظرفیت موجود در جهت توجه بیش‌تر به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور در ساحت‌های مذکور بیش‌تر استفاده شود. در مورد میزان توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور، همانند آنچه در تحلیل محتوای بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی گفته شد؛ بیش‌ترین فراوانی به ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی و مولفه ارتباط فرد با خداوند مربوط می‌باشد که با توجه به ماهیت مباحث مطرح در این ساحت تربیتی، چنین فراوانی مورد انتظار بود. یکی دیگر از نتایج تحلیل محتوای قسمت مورد نظر از سند تحول که جای تامل دارد، توجه به این مهم است که با توجه به جایگاه و تاکید آموزه‌های اسلامی به مولفه خودشناسی و خودسازی و تاثیر این مهم بر سایر مولفه‌های ارتباطی، شایسته است در تدوین اسناد بالادستی برای نظام تعلیم و تربیت کشور، به ارتباط فرد با خودش توجه بیش‌تری شود. آخرین موضوعی که می‌بایست در تحلیل محتوا مورد توجه قرار گیرد، توجه بیش‌تر به مولفه ارتباطی فرد با خلقت است که با توجه به ظرفیت‌های موجود در نظام آموزش و پرورش کشور، مانند وجود کتاب‌های درسی در پایه‌های مختلف تحصیلی و فعالیت‌های فوق برنامه، این مهم می‌تواند محقق شود تا بتوان اوضاعی فراهم کرد که دانش‌آموزان پسر و دختر

کشور در سنین کودکی و نوجوانی به مباحث مربوط به محیط زیست خود علاقه مند شوند و کنش گر فعالی برای سالم سازی آن باشند.

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن دو گروه از منتظران منفعل و منتظران زمینه ساز ظهور مشخص شد که در خصوص منتظران منفعل، تربیت، به خودسازی و به دست آوردن سیر و کمال معنوی در منتظر معطوف است و اساسا به مولفه های دیگر تربیت زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه نمی شود؛ اما با نگاه به تربیت زمینه ساز ظهور که خوشبختانه در اوضاع کنونی نگرش غالب در جامعه اسلامی ما است، انتظار آن است که به منظور تدارک بستر مناسب برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه به تمام ساحت های تربیت، مانند ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساحت تربیت زیباشناختی و هنری، ساحت تربیت زیستی و بدنی، ساحت تربیت علمی و فناوری و ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای؛ بر مبنای مولفه های تربیت زمینه ساز ظهور در قالب ارتباط فرد با خداوند، ارتباط با خودش، ارتباط با خلق و ارتباط با خلقت مورد توجه قرار گیرد.

در بیش تر تحقیقاتی که با استفاده از روش تحلیل محتوا، به موضوع تربیت و مهدویت پرداخته اند، سعی شده است میزان انطباق محتوای کتاب های درسی پایه های مختلف تحصیلی با مولفه های تربیت مهدوی را مشخص کنند؛ درحالی که تحقیق حاضر، با رویکرد بنیادی تر، با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی میزان انطباق مباحث مطرح در قسمت ساحت های تربیتی دو بخش فلسفه تربیت رسمی عمومی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، با مولفه های تربیت زمینه ساز ظهور که بر هدف گذاری فرایند تربیت در جامعه و نظام آموزشی کشور دارای بیش ترین تأثیر می باشد، پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که رویکرد حاکم بر تدوین ساحت های تربیتی در هر دو بخش مورد نظر، بر جهت گیری الهی و تربیت زمینه ساز ظهور مبتنی است؛ اما با توجه به این که فرایند تربیت در قسمت فلسفه تربیت، عموم افراد جامعه با زمینه های مختلف فرهنگی و اعتقادی را شامل می شود؛ انتظار آن است که مباحث مربوط به ساحت های تربیتی در این



بخش از سند به صورت جامع‌تری مورد توجه قرار گیرند. هر چند در قسمت فلسفه تربیت رسمی عمومی نیز جهت‌گیری مبتنی بر مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور وجود دارد؛ می‌بایست به این مهم توجه شود که با توجه به ظرفیت‌های موجود در نظام آموزش و پرورش و گرایش مخاطبان آن به درس تربیت بدنی و حضور در برنامه‌ها و مسابقات فرهنگی هنری؛ لازم است به ساحت‌های زیستی و بدنی و ساحت زیباشناختی و هنری توجه بیش‌تری صورت گیرد و در جهت انطباق مباحث مربوط به دو ساحت مذکور با مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور، اقدامات موثرتری انجام شود. همچنین با توجه به مسائل و موضوعاتی که در خصوص تغییر اقلیم و حفظ محیط زیست در کشور با آن مواجهه هستیم، شایسته است در خصوص مولفه ارتباط با خلقت در دو بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی عمومی توجه بیش‌تری صورت گیرد.

منابع

قرآن کریم.

۱. آیتی، نصرت الله (پاییز ۱۳۹۰). «زمینه سازی؛ چیستی و چرایی؟»، قم، فصل نامه مشرق موعود، مؤسسه آینده روشن، شماره ۱۹.
۲. اعرافی، علیرضا؛ بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی و ابوجعفری، مهدی (۱۳۹۵). *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران، سمت.
۳. اعضای کارگروه تلفیق نتایج مطالعات نظری با پشتیبانی دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیاد بین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، بی نا.
۴. امام خمینی، روح الله (بی تا). *کشف الاسرار*، بی جا، بی نا.
۵. انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، انتشارات سخن.
۶. باقری، خسرو (۱۳۹۹). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات مدرسه.
۷. بختیار نصرآبادی، حسنعلی و نوروزی، رضا علی (۱۳۸۲). *راهبردهای جدید آموزشی در هزاره سوم*، قم، سماء قلم.
۸. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۶). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. جعفری هرندی، رضا (زمستان ۱۳۹۱). «*تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مباحث مهدویت*»، فصل نامه مشرق موعود، ش ۲۴.
۱۰. جعفری هرندی، رضا و نجفی، حسن (زمستان ۱۳۹۲). «*بررسی میزان توجه به مؤلفه های مهدویت در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه ایران*»، فصل نامه مشرق موعود، ش ۲۸.
۱۱. حسین زاده، اکرم؛ تقی زاده، احسان و همایی، رضا (زمستان ۱۳۸۸). «*بررسی باور به مهدویت در میان جوانان پانزده تا ۲۹ ساله تهرانی*»، فصل نامه مشرق موعود، ش ۱۲.
۱۲. شارع پور، محمود (۱۳۹۶). *جامعه شناسی آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۷). *آیین زندگی؛ اخلاق کاربردی*، قم، نشر معارف.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۰). *کمال الدین و تمام النعمه*، مترجم: منصور پهلوان، قم، دارالحدیث.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*، قم، انتشارات بعثت.



۱۶. قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید (۱۳۹۵ق). *السنن*، محقق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر.
۱۷. کریمی عقدا، هادی و قادری مقدم، محمد ابراهیم (۱۳۹۶). *تحلیل محتوای کتاب درسی (نظری - عملی)*، یزد، انتشارات اشراق کویر.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، تهران، انتشارات اسلامیه.
۲۰. مرزوقی، رحمت الله (پاییز و زمستان ۱۳۸۷). «*سیمای مهدویت در برنامه های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار*»، دوفصل نامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، شماره ۷.
۲۱. مساعد، علی و منطقی، محسن (بهار ۱۳۹۱). «*ارتباطات درون فردی از منظر اسلام*»، فصل نامه اسلام و پژوهش های مدیریتی، ش ۴، قم.
۲۲. مصطفوی، حسن (۱۳۸۵ق). *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۶). *الغیبه*، مترجم: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات مکتبه الصدوق.
۲۴. هاشمی شهیدی، سید اسدالله (۱۳۸۴). *ظهور مهدی از دیدگاه مذاهب و ملل جهان*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.